



این شماره تقدیم می‌شود به

شهید منظر السادات زربادیدانش آموخته پردیس خواهران دانشگاه امام صادق
شهید نبرد رمضانویژه نامه جنگ رمضان | شماره ۴۶
سه‌شنبه ۱۴۰۵ اردیبهشت**جبهه
انرژی**کاری از اندیشکده نفت و انرژی
و گروه تحلیلی پتروپال

سرمقاله

امنیت انرژی و حقوق جنگ دریایی

چرا نفت از قلمرو مشروعیت اقدامات خصمانه خارج است؟



پرچم قرار می‌دهد، مگر در مواردی که حقوق بین‌الملل به‌طور خاص استثنا پیش‌بینی کرده باشد که درباره نفت صدق نمی‌کند. توقیف یا بازداشت نفت‌کش‌های کشورهای بی‌طرف یا حتی ایجاد تهدید برای عبور آنها، نقض آشکار این اصول بنیادین است و حقوق بی‌طرفی را به‌طور جدی مخدوش می‌سازد. از آنجا که بخش اعظم مشتریان نفت ایران دولت‌های بی‌طرف هستند، هرگونه اقدام دریایی علیه زنجیره انتقال نفت، اثرات مستقیم و ناموجهی بر حقوق آنها ایجاد می‌کند و این موضوع مشروعیت اقدام را از بنیاد تضعیف می‌کند.

با کنار هم قرار دادن این عناصر، روشن می‌شود که نفت، به دلیل نقش حیاتی‌اش برای ایران به عنوان منبع درآمد و برای واردکنندگان به عنوان کالای انرژی، ساختاری ایجاد می‌کند که در آن هرگونه اقدام دریایی علیه صادرات آن، حتی در فرض وقوع مخاصمه، با محدودیت‌های شدید حقوقی مواجه است. این وضعیت موجب می‌شود که هرگونه محاصره، توقیف، بازرسی اجباری یا اختلال در انتقال نفت، از منظر حقوق بین‌الملل، با معیارهای ضرورت نظامی، تناسب، احترام به حقوق بی‌طرفان و منع فشار اقتصادی سازگار نباشد. از این رو، اقدامات محدودکننده دریایی علیه صادرات نفت ایران نه تنها به دلیل ماهیت اقتصادی و انسانی نفت، بلکه به دلیل ساختار حقوقی چندلایه و سخت‌گیرانه حاکم بر جنگ دریایی و تجارت انرژی، فاقد مبنای حقوقی معتبر در حقوق مخاصمات دریایی ♦

دارد، زیرا حقوق بین‌الملل اجازه نمی‌دهد که تجارت مشروع کشورهای بی‌طرف در کالاهایی که ماهیت غیرنظامی دارند، هدف اقدامات خصمانه قرار گیرد. در ارزیابی مشروعیت چنین اقداماتی، دستورالعمل سان‌رمو جایگاهی مرکزی دارد. این سند که منعکس‌کننده قواعد عرفی جنگ دریایی است، محاصره را تنها زمانی مشروع می‌داند که دارای هدف نظامی مشخص، فوری و مستقیم باشد، و آثار آن بر جمعیت غیرنظامی به حداقل ممکن برسد. با تحلیل ماهیت نفت خام، روشن است که این کالا فاقد کارکرد نظامی مستقیم و فوری است و پیش از پالایش، حتی به صورت محدود نیز قابلیت استفاده رزمی ندارد. همین ویژگی، نفت را از قلمرو «کالاهای قاچاق جنگی» خارج می‌کند، زیرا قاچاق جنگی بودن تنها در مورد کالاهایی پذیرفته می‌شود که کارکرد نظامی روشن داشته باشند. در نتیجه، توقیف نفت‌کش‌ها یا جلوگیری از حمل‌ونقل نفت خام، حتی در فرض مخاصمه، فاقد مبنای حقوقی در طبقه‌بندی‌های پذیرفته‌شده سان‌رمو خواهد بود.

در کنار سان‌رمو، چارچوب قراردادی لاهه ۱۹۰۷ و حقوق دریاها در UNCLOS نیز بر آزادی کشتیرانی، احترام به صلاحیت انحصاری دولت پرچم و رعایت حقوق تجارت مشروع تأکید می‌کنند. ماده ۸۷ UNCLOS آزادی کشتیرانی را شامل آزادی انتقال انرژی می‌داند، و ماده ۹۲ کشتی‌ها را تحت صلاحیت انحصاری دولت

است؛ امری که از منظر حقوق مخاصمات، ذیل ممنوعیت وارد کردن فشار اقتصادی سیستماتیک بر غیرنظامیان قرار می‌گیرد. ماده ۱۰۲ دستورالعمل سان‌رمو ۱۹۹۴ تصریح می‌کند که هیچ محاصره یا اقدام نظامی دریایی نباید هدف یا اثر آن محروم‌سازی جمعیت غیرنظامی از وسایل بقا باشد. با توجه به ساختار اقتصاد ایران، درآمد نفتی دقیقاً یکی از همین «وسایل بقا» به معنای گسترده کلمه محسوب می‌شود. از این رو هرگونه اقدام دریایی که باعث قطع این جریان درآمدی شود، حتی غیرمستقیم، در معرض انتقاد جدی و حتی صریح حقوقی قرار می‌گیرد. در سوی دیگر زنجیره تجارت، کشورهای واردکننده نفت ایران قرار دارند که بخش عمده آنها دولت‌های بی‌طرف و وابسته به واردات انرژی‌اند. از دید حقوق بین‌الملل انرژی، امنیت عرضه و دسترسی بدون تبعیض به منابع انرژی از اصول بنیانی است که در منشور انرژی، رویه دولت‌ها و ساختارهای منطقه‌ای مورد تأکید قرار گرفته است. نفت برای این کشورها نقش زیربنایی در حمل‌ونقل، تأمین برق، تولید صنعتی و ثبات اقتصادی دارد، به‌طوری‌که هرگونه اختلال در جریان انتقال آن، به‌طور مستقیم رفاه و امنیت جمعیت‌های غیرنظامی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، محدودسازی صادرات نفت ایران، توسط آمریکا و محاصره دریایی، نه تنها بر ایران بلکه بر مجموعه‌ای از دولت‌های بی‌طرف و غیرمشارک در مخاصمه نیز تأثیر زیان‌بار دارد. این نکته از منظر حقوق بی‌طرفان اهمیت دوچندان

در حقوق بین‌الملل معاصر، نفت خام تنها یک کالای تجاری معمولی نیست، بلکه کالایی با نقش حیاتی در تداوم حیات اقتصادی و رفاه جمعیت‌های غیرنظامی و نیز ستون امنیت انرژی در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود. این جایگاه دوگانه و حیاتی، چارچوب ارزیابی مشروعیت هرگونه اقدام نظامی دریایی علیه صادرات نفت را پیچیده‌تر و محدودتر می‌سازد، تا جایی که حتی در فرض وقوع مخاصمه مسلحانه، امکان توجیه چنین اقداماتی به‌طور جدی تضعیف می‌شود. نفت برای ایران، ستون اصلی تأمین بودجه عمومی، ارائه خدمات اجتماعی و حفظ ثبات اقتصادی است، و برای واردکنندگان، کالای راهبردی انرژی و رکن بنیادین امنیت عرضه به شمار می‌آید. این ویژگی دوسویه، هرگونه ممانعت دریایی را مستعد ایجاد آثار انسانی و اقتصادی گسترده علیه دو گروه غیرنظامی متفاوت می‌کند، و از این جهت، محدودیت‌های حقوقی بسیار سخت‌گیرانه‌تری را بر اقدامات احتمالی تحمیل می‌کند.

در اقتصاد ایران، درآمدهای نفتی نقش تعیین‌کننده در حفظ نظم مالی، پرداخت حقوق بخش عمومی، توسعه زیرساخت‌ها و تأمین خدمات اساسی‌ای چون سلامت، آموزش و امنیت غذایی دارد. بنابراین، جلوگیری از صادرات نفت در عمل به معنای تضعیف شدید توانایی دولت در تأمین نیازهای اولیه جمعیت غیرنظامی

بازار جهانی انرژی

اختلال هرمزو شکاف قیمت نفت؛ بازار فیزیکی از بازارهای مالی جدا شد

اروپا و آسیا، و مازاد محلی در آمریکای شمالی این شکاف را تشدید کرده است. افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیک همچنین جهت‌گیری سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ نفتی را تغییر داده است. به گزارش وال استریت ژورنال، شرکت‌هایی مانند اکسون‌موبیل، شورو، BP و توتال روند جست‌وجو برای میادین جدید خارج از خاورمیانه را سرعت بخشیده‌اند. اکسون برنامه سرمایه‌گذاری تا ۲۴ میلیارد دلار در میادین آب‌های عمیق نیجریه را بررسی می‌کند؛ شورو فعالیت خود را در ونزوئلا توسعه داده؛ BP سهام بیشتری در بلوک‌های ساحلی نامیبیا خریداری کرده و توتال قراردادهای اکتشافی تازه‌ای با ترکیه امضا کرده است.

در سوی دیگر بازار انرژی، کمبود عرضه LNG در آسیا خود را در بحران برق پاکستان نشان داده است. این کشور با ۴۵۰۰ مگاوات کسری تولید در ساعات اوج مصرف روبه‌روست و برای جلوگیری از تشدید خاموشی‌ها، به حداقل چهار محموله LNG برای تأمین سوخت نیروگاه‌های گازی نیاز دارد. محدودیت در عرضه جهانی LNG و افزایش رقابت خریداران آسیایی، تأمین این محموله‌ها را دشوارتر کرده است.

این مجموعه تحولات تصویری شفاف از بازاری ارائه می‌دهد که در آن جریان فیزیکی انرژی، بیش از هر زمان دیگر، تعیین‌کننده قیمت، امنیت عرضه و جهت‌گیری سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ نفتی شده است.

گزارش‌های تازه از بازار جهانی انرژی نشان می‌دهد اختلال در تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز نه تنها جریان صادرات خلیج فارس را متوقف کرده، بلکه ساختار قیمت‌گذاری نفت خام را نیز دگرگون کرده است. براساس داده‌های کیپر، حدود ۲۶۰ نفتکش حامل بیش از ۱۷۰ میلیون بشکه فرآورده‌های نفتی، شامل نزدیک به ۱۲۰ میلیون بشکه نفت خام، در آب‌های خلیج فارس متوقف مانده‌اند و انتظار می‌کشند مسیر عبور به بازارهای جهانی بازگشایی شود. این حجم محبوس‌شده باعث تشدید کمبود عرضه فوری در اروپا و آسیا شده و شکاف کم‌سابقه‌ای میان بازار فیزیکی و بازارهای مالی ایجاد کرده است.

تحلیل‌گران بازار انرژی تأکید دارند در شرایط کنونی، مفهوم «قیمت واحد نفت» عملاً کارایی خود را از دست داده است. داده‌های جک پراندلی، کارشناس بازارهای کالایی، نشان می‌دهد قیمت نفت خام بسته به کیفیت، محل تحویل و ریسک حمل‌ونقل تفاوتی چشمگیر دارد: فورتیز فیزیکی ۱۳۴ دلار، برنت فیزیکی ۱۱۶ دلار، قراردادهای آتی برنت ۹۹ دلار، WTI حدود ۸۷ دلار و نفت خام کانادا نزدیک به ۷۲ دلار. این ناهمگونی گسترده منعکس‌کننده بازاری «تکه‌تکه»، منطقه‌ای و کاملاً وابسته به جریان واقعی بشکه‌هاست؛ بازاری که در آن نفت واقعی با قیمت‌های واقعی معامله می‌شود، نه با شاخص‌های روی صفحه نمایش. محبوس ماندن عرضه در خلیج فارس، کمبود شدید بشکه در

خبرخوان

● **لویدز: ۲۶ کشتی ایرانی محاصره دریایی آمریکا را شکستند**

براساس اعلام پایگاه لویدز لیست، دست‌کم ۲۶ فروند از شناورهای مرتبط با «ناوگان سایه» ایران موفق به دورزدن خط محاصره اعلام‌شده از سوی ایالات متحده شده‌اند.

● **روس اتم: آماده‌ایم تکمیل واحدهای بوشهر را بدون تأخیر آغاز کنیم**

الکسی لیخاچف، رئیس شرکت روس اتم: روس اتم قصد دارد به محض برقراری صلح، ساخت واحدهای جدید نیروگاه هسته‌ای بوشهر در ایران را در اسرع وقت از سر بگیرد.

● **کرکوک-جیهان؛ راه فرار عراق از تنگه**

الجزیره: عراق قصد دارد برای کاهش وابستگی به تنگه هرمز، صادرات نفت خود را تا حدود ۵۰۰ هزار بشکه در روز از مسیر خط لوله کرکوک-جیهان به مدیترانه افزایش دهد.

● **اختلاف قیمت بنزین و نفت ۲۵ دلار شد**

اختلاف قیمت بنزین و نفت خام در هفته گذشته تا ۲۵ دلار افزایش یافت و اکنون در شمال غرب اروپا حدود ۱۷ دلار است. این وضعیت یعنی قوی‌تر شدن بازار بنزین نسبت به نفت خام و در چنین شرایطی حاشیه سود پالایشگاه‌ها بهبود می‌یابد اما فشار آن روی افزایش هزینه مردم نمایان می‌شود.